



Center for Strategic Studies of the
Islamic Republic of Iran Army

**Journal Of
Army Strategic Research**
Print ISSN:27834212
Volume 2, Issue 3
Spring 2023
P.P. 1-36

The Future threats against the Islamic republic of Iran in 1404 – Resistance Economy Approach

Aziz Nasirzadeh¹, Amir Hooshang Khadem Daghigh^{*2}, Ali Farhadi³

Abstract

The logical decisions and consequently, the initiation of clever actions, require a profound study of the future prospects of incoming wars and their uncertainty. This paper, with an exploratory approach and a futuristic look, is the result of the analyses of the strategic research, titled Scenarios of the Theater of the Future War against the Islamic Republic of Iran in 1404, which accepted at the Strategic Studies Center of AJA (SSC). Therefore, the present article is an applied research in terms of goal and an exploratory prospecting research in terms of method. Analytical method is based on the methodology of the SSC in the field of threats, entitled “Evaluation of threats Model of the SSC AJA” (ETMOSSCA). The study population is a Group of 15 of qualified expertise introduced by the SSC. The research gain is the assessment and prioritization of the future threats against the Islamic republic of Iran in 1404, the functional model, especially in the field of air power, identifying the type and means of threats and their attributes, based on security patterns (participatory, hegemonic, Competitive realistic policies).

Keywords: Threat, the Islamic Republic of Iran, Competitive realistic policies model, hegemonic and participatory security model

Citation: Nasirzadeh, Aziz; Khadem Daghigh, Amir Hoosha; Farhadi, Ali(2023). The Future threats against the Islamic republic of Iran in 1404 – Resistance Economy Approach. *Journal Of Army Strategic Research*, 2(3): 1-38.

¹ Ph.D.National Security. National Defense university. Tehran, Iran.

² Ph.D.National Security .National Defense university. Tehran, Iran.
(ahkhademdaghigh@gmail.com)

³ Ph.D. Human Resource Management. Allameh Tabatabaee.Tehran .Iran.

Received: 2022/12/01

Article Type : Research - based

Accepted: 2023/03/08



تهدیدات آینده‌ی ج.ا.ایران در افق ۱۴۰۴

عزیز نصیرزاده^۱، امیرهوشنگ خادم‌دقیق^{۲*}، علی فرهادی^۳

چکیده

تصمیم‌های منطقی و به‌تبع آن آغاز اقدام‌های هوشمندانه، نیازمند مطالعه عمیق آینده‌های محتمل در جنگ‌های آینده و عدم قطعیت موجود در آن‌هاست، این مقاله با رویکردی اکتشافی و نگاهی آینده پژوهانه حاصل تحلیل‌های به دست آمده از یک پژوهش راهبردی با عنوان سناریوهای صحنه جنگ آینده جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ است که در مرکز مطالعات راهبردی آجا صورت پذیرفته، است؛ بنابراین مقاله حاضر به لحاظ هدف از نوع تحقیقات کاربردی و از نظر روش، جزء تحقیقات اکتشافی آینده پژوهانه است که در روش تحلیلی آن از روش ابداعی مرکز مطالعات آجا در حوزه تهدید شناسی تحت عنوان «الگوی مرکز مطالعات راهبردی آجا برای ارزیابی تهدیدها (E.T.M.O.S.S.C.A)» بهره‌گیری شده است که جامعه آماری گروه راهبردی و کارشناسی واجدالشرايط معرفی شده از سوی مرکز مطالعات آجا به استعداد ۱۵ نفر می‌باشد. محصل تحقیق برآورد و اولویت‌بندی تهدیدات آینده ج.ا.ایران در افق ۱۴۰۴ و الگوی عملکردی خصوصاً در بحث قدرت هوایی، شناخت نوع و ابزار تهدیدها و شاخص ویژگی آن‌ها مبتنی بر الگوهای امنیتی (مشارکتی، هژمونیک، سیاستی واقع‌گرایانه رقابتی) است.

واژگان کلیدی: تهدید، جمهوری اسلامی ایران، الگوی سیاست واقع‌گرایانه رقابتی، الگوی هژمونیک و الگوی امنیتی مشارکتی

استناد: نصیرزاده، عزیز؛ خادم‌دقیق، امیرهوشنگ؛ فرهادی، علی (۱۴۰۲). تهدیدات آینده‌ی ج.ا.ایران در افق ۱۴۰۴. فصلنامه پژوهش‌های راهبردی ارتش، ۲(۳): ۳۸-۱.

^۱ دانش‌آموخته دکتری، امنیت‌ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.

^۲ دانش‌آموخته دکتری، امنیت‌ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) (ahkhademdaghigh@gmail.com)

^۳ دانش‌آموخته دکتری، مدیریت منابع انسانی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

^۴ E.T.M.O.S.S.C.A: Evaluation Threats Model of Strategic Studies Center of AJA

مقدمه

تلاش برای ساختن آینده مطلوب جزء دغدغه‌های دائمی انسان‌های متفکر است، اما این امر به سهولت امکان پذیر نیست، زیرا تاریخ همواره تکرار نمی‌شود و تلاش انسان برای ساختن بنای آینده بر اساس نقشه راهی که پیشینیان پیموده‌اند، لزوماً نمی‌تواند چاره‌ساز باشد؛ در دنیای پیچیده و غیرقابل پیش‌بینی کنونی، سازمان‌ها با مشکلات فزاینده‌ای جهت ماندگاری و رشد خود مواجه هستند. پرداختن به امور غیرقطعی و متناقض از جمله مهم‌ترین وظایف مدیران است. در ارتباط با آینده (به‌ویژه صحنه‌های جنگ آینده) همیشه ابهام و عدم قطعیت وجود دارد، چون دانش انسان درباره گذشته است در حالی که تصمیم‌های وی به آینده مربوط می‌شود.

مطالعه درباره آینده و تلاش برای پیش‌بینی آن، روندها و ویژگی‌های نوظهور و در ادامه ساختن آینده از ویژگی‌های اصلی برنامه‌ریزی‌های راهبردی در حوزه‌های مختلف دانش بشری به شمار می‌رود و ضرورت پژوهش درباره آینده و شناخت جهان پیشرو با پیشرفت جوامع اهمیت بیشتری می‌یابد. شناخت آینده و اقدام به موقع رمز موفقیت در عرصه تصمیم‌گیری راهبردی به شمار می‌آید.

جنگ‌های آینده به‌طور فزاینده‌ای قالب ناهمگون و ناهمتر از خواهند داشت و قوانین قراردادی در آن‌ها به‌صورت گسترده‌ای نقض خواهد شد. عملیات نظامی سنتی با شناخت دقیق تجهیزات، سامانه‌ها، دکترین و تاکتیک‌ها شناخته می‌شود، ولی در حال حاضر با عدم قطعیت، ناسازگاری عوامل و وجود گزینه‌های متعدد معنا می‌یابد.

در گذشته، قدرت رزمی صرفاً در حوزه فیزیکی^۱ ارزیابی می‌شد ولی با ظهور حوزه‌های جدید در جنگ‌ها مانند اطلاعات و شناخت^۲، پیچیدگی و ابهام آنها افزایش خواهد یافت.

در بحث اهمیت موضوع با شناخت صحنه‌های جنگ آیند و کسب آگاهی مناسب نسبت به آن می‌توان انتظار داشت که ضمن جلوگیری از غافلگیری، مطلوب‌ترین راهکار به‌منظور وارد آوردن صدمات غیرقابل‌انتظار به دشمنان مشخص گردد؛ همچنین در بحث ضرورت این مطالعه نیز عدم توجه به صحنه‌های جنگ آینده موجب از دست رفتن مؤلفه‌های قدرت‌ساز

۱ مکانی است که نیروهای نظامی تلاش دارند تا در شرایط آن تاثیر بگذارند.

² Cognitive domain

خواهد شد و عدم شناخت شیوه‌های جدیدی از جنگ‌ها؛ از جمله جنگ نیابتی، ائتلاف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی با شیوه‌های متعدد و متنوع خواهد شد و گسترش و ادامه این روند آینده کشور را تحت تأثیر خود قرار خواهد داد. به این ترتیب می‌توان با صراحت می‌توان ادعان داشت شناخت و تدوین تهدیدات آینده یک ضرورت دفاعی جدی محسوب می‌گردد و تدوین آن می‌تواند نگرشی نوینی را در راهبردپردازان مبتنی بر تدوین بازی جنگ در سطوح راهبردی فراهم نماید، چراکه با توجه به ارتباط مستقیم تصمیم‌گیری‌های راهبردی در کشور با ماهیت تهدیدات، عدم شناخت ابعاد صحنه‌ها و سناریوهای جنگ‌های آینده، باعث سطحی شدن تصمیم‌ها، اقدام‌ها و در نتیجه کنش‌های نامناسب در برابر عدم قطعیت‌های آینده بر مبنای کم‌توجهی به مطالعات علمی این حوزه و پیشگویی‌های غیرواقعی خواهد شد. با امعان نظر به اینکه اخذ تصمیم‌های منطقی و به‌تبع آن آغاز اقدام‌های هوشمندانه در امروز برای هر کشوری نیازمند مطالعه عمیق آینده‌های محتمل در جنگ‌های آینده و عدم قطعیت موجود در آنهاست و اینکه مسئولین و خبگان هر کشوری می‌بایست بر اساس تهدیدات احتمالی آینده، سناریوهای راهبردی صحنه‌های جنگ آینده را ترسیم نمایند، این مقاله با رویکردی اکتشافی و نگاهی آینده پژوهانه حاصل تحلیل‌های به دست آمده از یک پژوهش راهبردی با عنوان سناریوهای صحنه جنگ آینده جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ می‌باشد که در مرکز مطالعات راهبردی آجا صورت پذیرفته است.

بنابراین مقاله حاضر به لحاظ هدف از نوع تحقیقات کاربردی و از نظر روش، جزء تحقیقات اکتشافی آینده پژوهانه است که در روش تحلیلی آن از روش ابداعی مرکز مطالعات آجا در حوزه تهدید شناسی تحت عنوان «الگوی مرکز مطالعات راهبردی آجا برای ارزیابی تهدیدها (E.T.M.O.S.S.C.A)» بهره‌گیری شده و جامعه آماری گروه راهبری و کارشناسی واجدالشرايط معرفی شده از سوی مرکز مطالعات آجا به استعداد ۱۵ نفر می‌باشند.

جمهوری اسلامی ایران به دلیل ماهیت ضد استکباری، موقعیت خاص ژئوپلیتیک در منطقه، حمایت از مستضعفین جهان و حفظ سیاست استقلال‌خواهی و همچنین برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای خود، به‌طور طبیعی در معرض تهدیدهای زمانی و مکانی گوناگونی قرار دارد. حضور بازیگران غیردولتی در صحنه‌های جنگ و حمایت و پشتیبانی بازیگران دولتی از آنها، تلاش

¹ Evaluation Threats Model of Strategic Studies Center of AJA

این بازیگران برای ایجاد هویت و همچنین تحولات فناوری، گسترده شدن تجهیزات پیشرفته و کنترل از راه دور و شکل‌گیری قدرت‌های هوشمند، گسترده شدن جنگ‌های نیابتی، سوق یافتن جنگ‌ها به درون شهرها و طولانی شدن جنگ، به‌ویژه شکل‌گیری گروه‌های افراطی در منطقه (عراق، سوریه، یمن و ...) و حمایت دشمنان منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای جمهوری اسلامی از گروه‌های افراطی علیه جمهوری اسلامی ایران و منافع ملی ما، در کنار دشمنی برخی از همسایگان و قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای و تشکیل ائتلاف‌های آشکار و پنهان علیه جمهوری اسلامی ایران و منافع ملی ما در سطح منطقه، حاکی از تغییر ماهیت جنگ‌ها و تنوع سناریوهای دشمن در مقابله با کشورهای هدف و از جمله کشورهای مستقل و عدالت‌خواه مثل جمهوری اسلامی ایران است. بنابراین ماهیت جنگ‌ها نیز دستخوش تغییراتی است که همگام با انقلاب در مسائل نظامی، دوره‌ی انتقالی را به سوی مفاهیم نظری جدید طی می‌کند. برخلاف جنگ‌های دهه‌های گذشته که برپایه‌ی مقابله محوری، اعمال خسارت و انهدام، فرسایشی و توأم با تکیه بر استفاده از ابزارهای بسیار گران بود؛ جنگ‌های آینده به سوی جنگ‌های هوشمند و نیابتی و نهایتاً تکیه بر استفاده از زیرساخت‌های نرم در ابزارها و جنگ‌افزارهای نظامی دارد. بدیهی است که جلوگیری از دستیابی دشمن به اهداف خود، با اتکا به سناریوهای جنگ‌های کلاسیک و مرسوم و عدم پیش‌بینی و آینده‌نگری تحولات این حوزه، جوابگوی نیازهای اساسی برای حصول به اهداف و آرمان‌های عالی و تحقق چشم‌انداز ۱۴۰۴ نخواهد بود و تبیین سناریوهای راهبردی صحنه‌های جنگ‌های آینده، چالشی است که دغدغه‌ی اصلی فرماندهان نظامی و بسیاری از پژوهشگران عرصه‌ی نظامی را به خود اختصاص داده است. این‌که در آینده صحنه‌های جنگ چگونه خواهد بود، مسئله‌ای است که بسیاری از فرماندهان و متفکران را به تفکر واداشته تا بتوانند شمای روشنی از آنچه احتمالاً در آتیه رخ خواهد داد را به تصویر بکشند؛ در همین راستا یکی از دغدغه‌های مهم و اساسی جمهوری اسلامی ایران جلوگیری از غافل‌گیری، رصد، شناسایی، پیش‌بینی و ارزیابی تهدیدات متعددی است که از سوی قدرت‌های استکباری و دشمنان منطقه‌ای و گروه‌های افراطی متوجه میهن عزیزمان است که این مهم همراه با شاخصه‌هایی همچون شناخت صحیح و دقیق تهدید؛ ارزیابی توان و ظرفیت تهدید؛ شرایط و وضعیت مطلوب تحقق تهدید؛ ارزیابی خطرات ناشی از وقوع تهدید می‌باشد. با توجه به طیف گسترده و متنوع تهدیدات موجود علیه منافع جمهوری اسلامی ایران، اقدام انفعالی و عدم برنامه‌ریزی

برای آینده و آینده پژوهی در این حوزه بسیار خطرناک و غیرمنطقی است و این شیوه تفکر باعث بروز مشکلاتی همچون ایجاد موانع جدی در مسیر ساخت فرهنگ سازمانی منعطف و منطبق با آینده، پرداختن صرف به مطلوب‌ها، عدم شناسایی نیازهای آینده و عقب ماندن از دشمنان و رقبا می‌گردد. بنابراین دغدغه اصلی این مقاله «چیستی و چگونگی تهدیدات آینده جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴» می‌باشد.

پیشینه

تهدید^۱: تهدید مفهومی انتزاعی است که در هم تنیدگی عمیقی با مفهوم امنیت دارد. تهدید در لغت به معنای بیم دادن، ترساندن و عقوبت کردن است. اما می‌توان گفت هر چیزی که ثبات و امنیت را در کشور به خطر اندازد، تهدید است تهدیدات، منافع را هدف قرار می‌دهند. مفهوم تهدید در نگرش سیستمی، عدم تعادل در سیستم است. یعنی عاملی که اجازه نمی‌دهد سیستم به اهداف خویش برسد. درعین حال تهدید به معنای توانایی‌ها، نیت و اقدامات دشمنان بالفعل و بالقوه برای ممانعت از دستیابی خودی به مقاصد تعیین شده نیز تعریف شده است. (عبدالله خانی، ۱۳۸۲: ۸۴)

برای تعریف تهدید می‌بایست به عوامل گوناگون توجه و بر آن اساس، تهدیدها را تفکیک نمود. این عوامل عبارتند از:

- ۱- منافع؛
 - ۲- توانمندی موضوع یا واحد مورد تهدید؛
 - ۳- شرایط محیطی؛
 - ۴- قدرت و توانائی تهدید؛
 - ۵- زمان (ممکن است پدیده‌ای در یک زمان تهدید بوده و در زمان دیگر تهدید نباشد)؛
 - ۶- تصور از اقدامات یا پدیده‌ها (می‌توان پدیده‌ها را تهدید زای یا تهدید زدا درک نمود).
- در تجزیه تحلیل عوامل تهدید، ضرورت دارد به انگیزه تهدید، زمینه تهدید، هدف تهدید، نوع تهدید، منطقه تهدید، ابزارهای تهدید، سازوکار تهدید، زمان تهدید، احتمال وقوع تهدید، احتمال موفقیت تهدید، اراده تهدید، تحمل تهدید و مدیریت تهدید توجه کرد تا با برنامه‌ریزی مناسب بتوان تهدید را به فرصت تبدیل نمود. (درویشی سه تلانی، ۱۳۷۴: ۱۴۵)

¹ Threats

تهدید یک عنصر ذهنی دارد که ادراک و احساسات طرفینِ درگیر را شامل می‌شود. عوامل مؤثر در جدی بودن تهدید را می‌توان به شرح ذیل دسته‌بندی نمود:

۱- مشخص بودن هویت تهدید؛

۲- قریب‌الوقوع بودن یا نزدیکی آن از لحاظ زمانی (فوریت تهدید)؛

۳- شدت احتمال وقوع تهدید؛

۴- اوضاع و شرایط تاریخی که باعث تقویت تهدید می‌شوند. (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۷۰)

با توجه به این که تهدید یک مفهوم انتزاعی است، تعیین زمان و مکان دقیق و چگونگی مورد تهدید واقع شدن به سادگی امکان‌پذیر نیست. (افتخاری، ۱۳۸۱: ۵۰) البته تا اندازه‌ای می‌توان مشخص کرد که چه عوامل و مسائلی می‌توانند امنیت یک کشور را تهدید کنند. اما همیشه پاسخ به این سؤال که کشور مزبور در شرایط زمانی ویژه در معرض کدام یک از عوامل و مسائل تهدیدآمیز قرار دارد، آسان نیست. هر کشور در طول حیات خود با خطرات و تهدیدهای بی‌شمار روبرو می‌شود؛ اما همه آن‌ها را نمی‌توان تهدیدهایی دانست که بقای آن کشور را به خطر می‌اندازند. (تریف و دیگران، ۱۳۸۳: ۵۱)

به دلیل انتزاعی بودن مفهوم تهدید، تعریف تصمیم‌گیرندگان و مردم هر کشور از امنیت، تأثیر مستقیم بر درک آن‌ها از تهدید دارد. هر قدر تعریف امنیت روشن‌تر و دقیق‌تر باشد، تصور تهدیدها نیز آسان‌تر خواهد بود. به‌طور کلی تهدیدات امنیتی را می‌توان تهدیدهایی دانست که اهداف و ارزش‌های حیاتی یک کشور را به گونه‌ای در معرض خطر قرار می‌دهند که بیم آن رود در اهداف و ارزش‌ها، تغییر ماهوی و اساسی صورت پذیرد. پس موضوع اساسی این است که نخست، برای هر کشور چه اهداف و ارزش‌هایی حیاتی هستند؟ و دوم این که آیا آن تهدیدها به تغییرات ماهوی و اساسی در اهداف و ارزش‌های یاد شده می‌انجامد یا خیر؟

«هراس» عنصر اصلی تهدید است. هراس نسبت به یک پدیده توسط یک فرد یا یک اجتماع، بیش از آنکه از یک خطر واقعی حکایت کند، بیانگر احساس درونی آن فرد یا گروه نسبت به یک پدیده است. بنابراین می‌توان گفت تهدید همچون مفهوم امنیت دارای دو بعد عینی و ذهنی است. در واقع عینی و ذهنی بودن این مقوله، درک ما از تهدید را به شدت با مشکل مواجه می‌سازد. تهدید واقعی به همان میزان که امکان اندازه‌گیری ندارد، شاید قابل درک هم نباشد. در عین حال تهدیداتی که تصور می‌شود درک شده‌اند، شاید چندان هم

واقعی نباشند! بنابراین تهدید، یک خطر (بعد عینی) و یک احساس خطر (بعد ذهنی) را شامل می‌شود. (بوزان؛ ۱۳۷۸: ۱۳۸)

بر اساس مطالب فوق می‌توان تهدید را شامل مؤلفه‌هایی دانست که برشمردن آن‌ها، دستیابی به معنای تهدید را تسهیل می‌نماید. این مؤلفه‌ها شامل یک رخداد، یک تصویر از رخداد، احساس امنیت و در نهایت، قواعد و نگرش بازیگر است. در توضیح این مؤلفه‌ها باید گفت در ابتدا یک اتفاق به وقوع می‌پیوندد و تصویری از واقعه مذکور در ذهن بازیگر شکل می‌گیرد. این تصویر، یک تصویر اولیه ناشی از محیط سیاسی است که از طریق متغیر دیگری همچون «ایدئولوژی»، دستکاری شده و به یک تصویر ثانویه بدل می‌شود. در این مرحله است که نوعی احساس امنیتی بر پایه هنجارهای مورد پذیرش و سیاست‌های مقبول بازیگر در ذهن وی ایجاد می‌شود. در نهایت بازیگر به ارزیابی احساس امنیت ایجاد شده بر اساس قواعد، ختم‌شده‌ها و نگرش‌های خود می‌پردازد. (افتخاری؛ ۱۳۸۹: ۶۳)

تصور تهدید و احساس ناامنی، به کلی ذهنی و روانی بوده و جنبه روانشناسی آن بسیار جدی است. بر همین اساس مبحث برداشت و سوءبرداشت در برآورد تهدید از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. درک تهدید، فرآیندی پیچیده است و تعریف آن به آسانی ممکن نیست. اما به‌طور کلی و از دیدگاه روانشناسی، درک، از چرایی و چگونگی رفتار دیگران ریشه می‌گیرد. لذا درک تهدید همیشه نمی‌تواند بر حقایق پایدار و واقعیت‌های موجود مبتنی باشد. گاهی این درک به درک نادرست یا سوءبرداشت از تهدید می‌انجامد و نتایج زیان‌بار برای کشور به دنبال دارد. همه تلاش محققین، پیرامون این نکته است که چه شرایط و عواملی باعث می‌شوند تا این درک و برداشت، به درک نادرست و سوءبرداشت منتهی نشود. در این رابطه می‌توان متغیرهای زیر را اصلی‌ترین متغیرهایی دانست که در فرآیند درک تهدیدات مؤثر بوده و عدم توجه به آن‌ها به سوءبرداشت از تهدیدات خواهد انجامید. (حسینی، ۱۳۸۳: ۸۵)

نخستین متغیر و شاید مهم‌ترین آن‌ها، بعد روان‌شناختی است. درک تهدید، دو مرحله وابسته به یکدیگر را در بر دارد: مشاهده و قضاوت؛ هر دو این‌ها فرآیندهای روان‌شناختی هستند و در سطح فردی و گروهی مؤثرند. به همین دلیل توجه به ذهنیات، نظام‌های اعتقادی و ارزشی و انگیزه‌ها و منافع افراد و گروه‌های تصمیم‌گیرنده بسیار اهمیت دارد. اما به هر حال بعد روان‌شناختی به تنهایی کافی نیست؛ زیرا درک تهدید در خلأ انجام نمی‌شود؛ لذا عوامل و پارامترهای دیگری نیز باید در نظر گرفته شوند.

متغیر دیگر بُعد تاریخی است که درک اهداف، منافع و سیاست‌های یک کشور یا نژاد بدون توجه به آن امکان‌پذیر نیست. تأکید بر اهداف تاریخی، ضمن آنکه به استحکام و ثبات رهبری و انسجام ملت می‌انجامد، گاهی ممکن است منجر به تصورات کلیشه‌ای از تهدید گردد که نتیجه طبیعی آن، غفلت از موقعیت و شرایط جاری و واقعی است. در چنین شرایطی، کشورها در اولویت‌گذاری میان تهدیدات دچار اشتباه شده و زمینه ضرر و زیان را برای خود فراهم می‌آورند. (امینیان، ۱۳۷۱: ۹)

سومین متغیر؛ بُعد ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی است. موقعیت جغرافیایی و راهبردی هر کشور، عاملی کلیدی در امنیت یا ناامنی آن به شمار می‌رود. این متغیر ابعاد گوناگون دارد که برخی از آن‌ها آثار زودگذر در پی داشته و برخی دیگر جزء عوامل پایدار در درک تهدیدات می‌باشند. برای نمونه، موقعیت جغرافیایی کشور و نقاط قوت و ضعف مرزهای ملی، از جمله عوامل پایداری هستند که همواره درک آسیب‌پذیری کشورها در برابر تهدیدات داخلی و خارجی را تحت نفوذ قرار می‌دهند. ولی عاملی همچون همسایگی یک کشور با یک قدرت بزرگ یا یک ابرقدرت، با گذشت زمان و دگرگونی نظام بین‌الملل دچار نوسان شده و آثار متفاوتی بر درک تهدیدات دارد.

متغیر مؤثر دیگر در درک تهدید، موازنه قوا است. این متغیر به‌طور منطقی از تشنج‌های ذاتی و تاریخی روابط کشورهای یک منطقه ریشه می‌گیرد. البته مفهوم قدرت چیزی بیش از قدرت نظامی بوده و توانایی‌های سیاسی، اخلاقی، اقتصادی و اجتماعی را شامل می‌شود. قدرت نسبی کشورهایی که با یکدیگر رابطه دارند، به ویژه آن‌ها که رقیب یکدیگر نیز به شمار می‌روند، درک تصمیم‌گیرندگان از امنیت یا ناامنی را تحت تأثیر قرار داده و در نتیجه اطمینان یا عدم اطمینان از وجود توانایی برای رویارویی با تهدید و پیروزی بر آن را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. (مرادیان، ۱۳۸۵: ۶۹)

پنجمین متغیر، میزان آسیب‌پذیری داخلی کشورهاست. هر چه میزان آسیب‌پذیری داخلی کشوری بیشتر باشد، به همان اندازه درک تهدیداتش افزایش می‌یابد؛ به طوری که این افزایش ممکن است به درک اشتباه از تهدید منتهی شود. یکی از جنبه‌های آسیب‌پذیری داخلی، بُعد اجتماعی و فرهنگی است. وجود اقلیت قومی در کشوری با وابستگی به کشور همسایه یا یک قدرت خارجی، می‌تواند ترس از ستون پنجم را به همراه داشته و بر درک تهدید اثر گذارد. به طور کلی، درک آسیب‌پذیری‌های داخلی، سبب خواهد شد که حتی

رویدادهای غیر تهدیدآمیز نیز تهدیدی برای امنیت ملی کشور تلقی شوند. ممکن است آسیب‌پذیری داخلی موجب گردد که دستیابی به مقاصد سیاسی، به اشتباه تهدید درک شود. متغیر دیگر در درک تهدید؛ نظام اعتقادی و ارزش‌های حاکم بر کشور است. ارزش‌ها چارچوبی ایجاد می‌کنند که واقعیت را از طریق آن‌ها می‌توان مشاهده نمود. همین چارچوب است که معیارهایی را برای ارزیابی رویدادهای بین‌المللی فراهم می‌آورد.

هفتمین متغیر مؤثر، بُعد ساختاری نظام سیاسی هر کشور است. دو نظام سیاسی با توانایی‌ها و خطرات مشترک، اگر دو ساختار متفاوت داشته باشند، به یقین برداشت آن‌ها از تهدیدات نیز متفاوت خواهد بود. به طور معمول رژیم‌های با ساختار نظامی، همواره نگران خطر تهدیدات خارجی و داخلی به ویژه با ماهیت نظامی می‌باشند. (درویشی، ۱۳۷۴: ۱۴۵-۱۴۸) چون امنیت مفهومی همه جانبه بوده و ابعاد گوناگون دارد، تهدیدات امنیتی نیز می‌توانند دارای ماهیت‌های گوناگون باشند. تاکنون تقسیم‌بندی‌های گوناگون درباره ماهیت تهدیدات امنیتی شده است. اگر جنبه نظامی تهدیدات را اصل بدانیم، می‌توان تهدیدات را به دو گونه نظامی و غیرنظامی تقسیم کرد. اما تقسیم‌بندی تهدیدات به تهدیدات به کلی سیاسی^۱ و تهدیدات کم‌تر سیاسی^۲ مناسب‌تر است. (درویشی سه تلانی، ۱۳۷۴: ۱۴۸)

تغییر و تحول مفهوم تهدید از تهدید نظامی به سایر جنبه‌ها، با تغییر مفهوم امنیت مرتبط است. اکنون مفهوم امنیت موسع شده و این مفهوم دیگر نمی‌تواند با تعریف مضیق قبلی پاسخ‌گوی ابهامات بین‌المللی باشد. دلایل زیر را می‌توان سبب تحول در مفهوم تهدیدات و به دنبال آن تحول در مفهوم امنیت دانست:

- ۱- با گسترش ارتباطات غیردولتی در فعالیتهای مختلف اقتصادی، تجاری، صنعتی، علمی و اجتماعی و ایجاد شرکت‌های چندملیتی، مناسبات دولت‌ها از محدوده دو دولت خارج و تحت تأثیر سازمان‌های غیردولتی قرار گرفته است.
- ۲- افزایش شدت روابط در نظام بین‌الملل موجب تغییر چهره تهدیدات و آسیب‌ها شده و تهدیدات نظامی را کم رنگ‌تر نموده و به سایر انواع تهدیدات گرایش یافته است.

¹ High Politics Threats

² High Politics Threats

۳- امنیت موسع، زمینه‌ساز فعالیت طرفداران صلح شده است؛ لذا از فعالیت طرفداران نظامی‌گری که به دنبال تجمع قدرت برای تسلط بر دیگران می‌باشند، کاسته شده است.

۴- با گسترش مفهوم امنیت، پدیده‌ها دیگر نظامی دیده نمی‌شوند تا به دنبال آن، راه حل نظامی به‌عنوان تنها راه برون‌رفت از مشکل مطرح گردد. بلکه استفاده از روش‌های دیگر باعث کاهش عواقب امنیتی کردن پدیده‌ها شده است.

۵- با گسترش هدف‌های اصلی سیاست خارجی، مسائلی همچون جاسوسی، قاچاق، تروریسم و... در ردیف مسائل امنیتی قرار گرفته و تهدید نسبت به امنیت ملی مطرح و از اهمیت نظامی‌گری کاسته شده است.

در دسته‌بندی دیگر، می‌توان تهدیدات را به تهدیدات نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی تقسیم‌بندی نمود. در این دسته‌بندی، تهدید نظامی، توسل به زور در اشکال مختلف یا تهدید به استفاده از زور است که باعث نقض روابط مسالمت‌آمیز سیاسی شده و حتی روابط اقتصادی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تهدید سیاسی متوجه ثبات سازمانی دولت است. هدف از این تهدید، فشار بر حکومت در مورد سیاستی خاص تا براندازی و واژگونی حکومت، جدایی‌طلبی و برهم زدن بافت سیاسی دولت برای تضعیف آن پیش از تهاجم نظامی است. به عبارت دیگر تهدید سیاسی، هر چیزی که شناسایی، مشروعیت و اقتدار ایده و نهاد دولت را به خطر اندازد را در بر می‌گیرد. (عبدالله خانی، ۱۳۸۲: ۱۴۱)

تهدید اقتصادی از پیچیده‌ترین انواع تهدیدات امنیتی است. چرا که در اقتصاد بازار، مشکلات متعددی مانند محدودیت صادرات، رقابت شدید خارجی، ارز و نرخ بهره، انواع پرداخت دیون و... وجود دارد که در ذات و ماهیت اقتصاد بازار نهفته و ارتباطی به تهدیدات امنیتی ندارند. اما وقتی به امور نظامی و سیاسی گسترش می‌یابند، تأثیرشان بر امنیت روشن شده و تهدید محسوب می‌گردند. دو عامل که عوامل اقتصادی را به تهدیدات امنیتی تبدیل می‌کنند، عبارتند از:

۱- بقای جمعیت، مورد تهدید قرار گیرد.

۲- تهدیدات و آسیب‌پذیری‌های اقتصادی، بر بخش نظامی تأثیر امنیتی گذارند.

تهدید اجتماعی در روابط بین دولت‌ها، با حمله به هویت ملی مرتبط است و چون هویت ملی در داخل کشور شکل می‌گیرد؛ لذا از داخل نیز تهدید می‌شود. تبدیل مسائل هویتی به تهدید امنیتی در دو حالت امکان‌پذیر است:

۱- تصور تهدید از سوی صاحبان هویت و حساسیت نسبت به آن؛

۲- منجر به دامن زدن به کشمکش و منازعه میان دولت‌ها گردد.

تهدیدات زیست‌محیطی قبلاً مورد توجه نبوده و آن را بخشی از سرنوشت محتوم آدمی می‌دانستند. اما امروزه با افزایش فعالیت انسان که بر شرایط حیات و محیط‌زیست تأثیر گذاشته است، تهدیدات زیست‌محیطی مانند تخریب لایه اوزون و گرم شدن گلخانه‌ای جو زمین که با عواقب جهانی همراه هستند، در چارچوب امنیتی قرار گرفته‌اند. (توکلی، ۱۳۸۴: ۱۳)

در مجموع هنوز هم تهدیدات نظامی از اهمیت بیش‌تری در تفکر امنیتی برخوردارند. اما این برتری در کشورها یکسان نیست و اکنون مسائل سیاسی و اجتماعی اهمیت بیش‌تری یافته و تهدیدات اقتصادی و زیست‌محیطی به محور توجهات تبدیل شده‌اند.

الگوهای امنیتی منطقه‌ای محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران:

با توجه به تحولات منطقه‌ای چند سال اخیر و هم‌چنین ویژگی‌ها و مؤلفه‌های محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران، در این بخش به تبیین مهم‌ترین الگوهای امنیتی قابل طرح برای منطقه و محورهای اصلی آن‌ها پرداخته می‌شود. (صاحبی، ۱۳۸۶: ۷۱)

الگوی سیاست واقع‌گرایانه رقابتی: این الگو بر پایه تهدیدات آشکار و نهان نظامی استوار است. اما وجود این تهدیدات به معنی نادیده انگاشتن حاکمیت، منافع ملی و نگرانی‌های امنیتی سایر بازیگران نیست. در این الگو، ترکیبی چندقطبی از کشورهایی وجود دارد که دارای روابطی سیال و بر اساس سود و زیان مقطعی هستند که در طول زمان ممکن است تغییر کند. در این الگو، منطق موازنه قوا پذیرفته شده و به‌طور کلی هیچ کشوری به طور دائم دوست یا دشمن شناخته نمی‌شود. در مورد همه کشورها، سطوح مختلفی از منافع مشترک یا متعارض وجود دارد و وجوه مشترک تقریباً به همه کشورها در هر منطقه‌ای اجازه می‌دهد که بر اساس شرایط روز با یکدیگر متحد شوند. به موجب الگوی مزبور، شیوه موازنه قوای سنتی برای مدیریت مسائل امنیتی با توجه به برداشتهای زیر نتیجه بهتری می‌تواند ارائه دهد: (محمدی، ۱۳۸۶: ۱۸۳)

۱- کشورهای تا حدی دارای ارزش‌ها و منافع مشترکی هستند و از این‌رو، تعریف‌های مشابهی از امنیت و ثبات ملی دارند.

۲- کشورها به‌طرف مقابل خود اطمینان دارند و به نام گسترش مجموعه خاصی از ارزش‌ها، نظم موجود را برهم نمی‌زنند.

۳- کشورها به موجودیت مختار و مستقل دیگر بازیگران احترام می‌گذارند.

۴- جنبش‌ها و ایدئولوژی‌های فراملی و داخلی نقش کانونی کشورهای مستقل به عنوان بازیگر اصلی را نمی‌کنند.

۵- اولویت‌های سیاسی کشورها به طور معقولی قابل پیش‌بینی و در طول زمان ثابت است و همین امر باعث اعتمادسازی می‌شود (www.Bazy.com).

این الگو به لحاظ نظری در قالب نظریه رئالیسم قرار می‌گیرد. ریشه‌های تاریخی و نظری واقع‌گرایی یا رئالیسم به‌عنوان پارادایم مسلط درک روابط و سیاست بین‌الملل در دوران جنگ سرد، این نظریه را نسبت به استمرار و ماهیت همکاری میان دولت‌ها بدبین کرده است. رئالیسم سنتی یا رئالیسم مبتنی بر دیدگاه مورگنتا، از نظر فلسفی و انسان‌شناختی مفروضات خود را از نظریه‌ای برگرفته است که می‌گوید در نبود امنیت انسان (بازیگر) گرگ انسان است. نظام و روابط بین‌الملل از نظر واقع‌گرایان این‌گونه بوده و در آن اقتدار برتر و نهایی مثل دولت جهانی وجود ندارد که به‌کارگیری مشروع خشونت امنیت را برقرار کند. پس چون ماهیت نظام بین‌الملل در اصل آنارشی (فقدان حاکمیت برتر) است، لذا بازیگران آن همواره در یک فضای ناامن و مملو از خطر و تهدید بسر می‌برند و چون دیگر بازیگران هم مثل آن‌ها هستند، لذا اعتماد نکردن به دیگران یکی از اصول بنیادین زندگی در چنین نظامی است. عقلایی نیست که دولت تأمین امنیت و بقای خود را به دیگر بازیگران یا نهادهای بین‌المللی مانند جامعه ملل یا سازمان ملل واگذار کند. زیرا همان‌گونه که ماکیاوولی گفته است دوست امروز می‌تواند دشمن فردا باشد. (دان و اشمیت، ۱۳۸۳: ۳۲۶)

رئالیست‌ها برای اثبات این ادعای خود از نظر تاریخی به سرنوشت کشورهای اشاره می‌کنند که با اعتماد بی‌مورد به دیگران باعث نابودی دولت و ویرانی کشور شده‌اند. در کنار اصل آنارشی در نظام بین‌الملل که رفتارهای خاصی از جمله عدم اعتماد به دیگران را به دولت‌ها دیکته می‌کند، اصل عقلانیت یا خرد دولت^۱ ایجاب می‌کند دولت‌ها در چنین نظامی به دنبال منافع و افزایش قدرت خود باشند. در دیدگاه رئالیسم سنتی اصلی‌ترین بازیگر نظام بین‌الملل، دولت است. بازیگران دیگر از نظر مشروعیت و قدرت پایین‌تر از دولت قرار دارند. صورت‌بندی ارائه‌شده از نظریه رئالیسم ساده‌ترین و مرسوم‌ترین صورت‌بندی است که بیشتر حالت نظری دارد تا عملی. به‌عبارت‌دیگر، نوعی نگاه خیلی بدبینانه به ماهیت دولت و نظام بین‌الملل دارد که با انتقادهای زیادی در چند دهه گذشته مواجه شده است. پیامد این

^۱ Raison d'état

انتقادات ظهور نظریه نورثالیسم یا رئالیسم ساختاری کنت والتز بوده که در کتاب نظریه سیاست بین‌الملل ارائه شده است. این نظریه بخشی از ضعف‌های نظریه سنتی رئالیستی را جبران کرده و تلاش می‌کند نظریه‌ای به مراتب علمی‌تر از رئالیسم سنتی ارائه دهد. در حالی که به نظر می‌رسد در واقع‌گرایی سنتی اهمیت ساختار کم‌تر از اهمیت کارگزار (دولت) است، در رئالیسم ساختاری این حالت برعکس می‌شود. یعنی از نظر والتز رفتار دولت‌ها در نظام بین‌الملل بیشتر از آن‌که تابع اراده و خواست آن‌ها باشد، متأثر از ماهیت ساختار نظام بین‌الملل است. (قهرمان پور، ۱۳۸۶: ۵۳)

الگوی دوم برای ایجاد چارچوب امنیتی منطقه‌ای، الگوی هژمونیک است که بر اساس غلبه منافع یک مجموعه از کشورها بر دسته‌ای دیگر و کاربرد عملیاتی ابزاری نظامی و اقتصادی برای اعمال سیاست بازدارندگی طراحی می‌شود. بر اساس این الگو، صف دوستان و دشمنان از یکدیگر تفکیک می‌شود. الگوی امنیت و ثبات هژمونیک بر مؤلفه‌های مختلفی استوار است:

- ۱- دیپلماسی بر پایه عمل انجام شده
 - ۲- احساس بی‌نیازی قدرت هژمون به هم‌پیمان یا هم‌پیمانی از میان دیگر قدرت‌ها؛ یک‌جانبه‌گرایی و تکیه قدرت هژمون بر توانایی‌ها و راهکارهای خود برای حل مسائل منطقه‌ای یا جهانی
 - ۳- تکیه قدرت هژمون به ابزارهای نظامی و اقتصادی (قدرت سخت) در پیشبرد اهداف
 - ۴- نیاز قدرت هژمون به رژیم‌های بین‌المللی و منطقه‌ای برای پاسداری از منافع خود و نیز پیش‌گیری از خطراتی که می‌تواند متوجه نظام مبتنی بر ثبات هژمونیک باشد.
- این الگو بعد از ۱۱ سپتامبر از سوی ایالات متحده در منطقه تعقیب می‌شود. هدف ایالات متحده از استقرار الگوی امنیتی ثبات هژمونیک را می‌توان در راستای هدف‌های آن کشور در سطح جهانی و رقابت قدرت‌های جهانی برای تسلط بر این منطقه دانست. در این الگو، افزایش استفاده از زور در شکل‌دهی به ساختار امنیتی منطقه و حضور حجم وسیعی از نیروهای نظامی اولویت دارد و با تفکیک کشورهای دوست و هم‌پیمان و کشورهای دشمن، از حداکثر ابزارها و توانمندی‌ها برای اعمال فشار و تضعیف کشورهای غیر همکاری استفاده می‌شود. (صاحبی، ۱۳۸۶: ۷۲)

الگوی امنیتی مشارکتی: این الگو نگاه متفاوتی به سیاست بین‌الملل دارد و تفکر اصلی و مرکزی حاکم بر آن عبارت از این است که همه کشورها می‌توانند امنیت نسبی را از طریق پذیرفتن تعهدات متقابل در خصوص محدود کردن توانایی‌های نظامی برای خویش تأمین

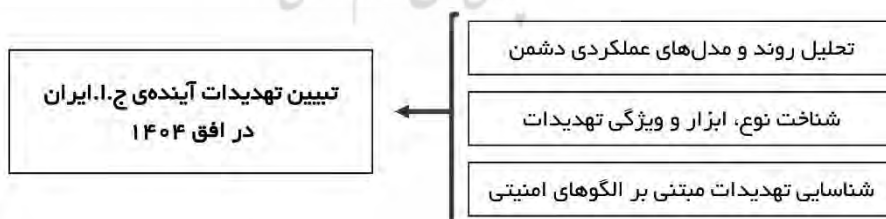
کنند. در این رویکرد امنیتی تنها دوستان و متحدان حضور نمی‌یابند بلکه فرض بر این است که دشمنان همان محدودیت‌های فنی را بر رفتار خود خواهند پذیرفت که دوستان می‌پذیرند و این کار به‌رغم وجود بی‌اعتمادی متقابل، امری شدنی است. هم‌چنین فرض بر این است که این محدودیت‌های قانونی و فنی، امتیازات متقابلی را نیز در بر خواهد داشت. این رویکرد کشورها را به دوست، متحد و دشمن تقسیم نمی‌کند، اما تهدیدات علیه همه بازیگران مساوی است و همه شرکا خواستار امنیت متقابل هستند. این رویکرد بیش از آنکه یک مجموعه از فرمول‌ها را پیرامون چگونگی ایجاد نظام‌های امنیت منطقه‌ای مطرح کند، یک فرایند تدریجی را در برمی‌گیرد که درصدد شکل دادن به گرایش‌های سیاست سازان دولت در مورد امنیت است و بدیل‌هایی برای تعریف امنیت در مقابل تمرکز محدود صرفاً نظامی ارائه می‌کند. این رویکرد برای تسهیل پیوند بین طیف وسیعی از مسائل سیاسی - اقتصادی و اجتماعی طراحی شده و درصدد ایجاد اعتماد بین دولت‌های منطقه‌ای از طریق بحث، مذاکره، همکاری و توافق است. توسعه امنیت مبتنی بر همکاری فرایندی تکاملی است و به‌وسیله طرحی بزرگ هدایت نمی‌شود، بلکه از طریق ایجاد مجموعه‌ای از ابزارها که به‌گونه‌ای مجزا به اصول امنیت مبتنی بر همکاری کمک می‌کنند، به دست می‌آید. رویکرد امنیت مشارکتی به شنیده شدن صداهای غیردولتی نیز توجه دارد و علاوه بر تأکید بر توسعه، رسم گفت‌وگو و همکاری میان دولت‌های منطقه‌ای، گفت‌وگوهای امنیتی غیررسمی میان عناصر غیردولتی مانند نخبگان و دانشگاهیان را نیز مدنظر قرار می‌دهد. از این‌رو، رویکرد مذاکره در جهت تشویق امنیت مبتنی بر همکاری و مشارکت علاوه بر بازیگران ملی، بازیگران و صداهای فرو ملی را نیز در یک سطح پایین‌تر و مکمل موردتوجه قرار می‌دهد. (واعظی، ۱۳۸۶: ۷۸)

گرایش لیبرال در نظریه‌های روابط بین‌الملل نزدیکی زیادی به این الگو دارد. گرایش لیبرال و در دوران کنونی نو لیبرالیسم، برخلاف رئالیسم نگرشی خوش‌بینانه به روابط بین‌الملل دارد. بر اساس این نظریه، آموزش پذیری آدمی می‌تواند نهاد شرور وی را تحت کنترل درآورد. (نو) لیبرال‌ها معتقدند بازیگران اصلی روابط و سیاست بین‌الملل دولت‌ها هستند، اما این به معنای نادیده گرفتن نقش و اهمیت سایر بازیگران نظیر شرکت‌های چندملیتی یا سازمان‌های غیردولتی نیست. این بازیگران هم می‌توانند در مورد مرتبط با حوزه فعالیت آن‌ها مؤثر واقع شوند. در کنار این شباهت، تفاوت عمده نگرش لیبرالیستی به دولت با نگرش رئالیستی در

این است که لیبرالیسم اساساً برای دولت هویت مستقلی قائل نیست و آن را فاقد هویت مستقل از جامعه می‌داند. دولت صرفاً کارگزاری در خدمت رفاه و امنیت جامعه است. لذا منافع و اهداف دولت اساساً منافع جامعه و گروه‌های ذی‌نفوذ و صاحب قدرت در آن است. ماهیت دولت از نظر (نو) لیبرالیست‌ها در نوع رفتار آن در نظام بین‌الملل تأثیرگذار است. دولت‌هایی که در عرصه داخلی مردم خود را سرکوب می‌کنند در عرصه خارجی هم تمایل به رفتار تهاجمی و جنگ‌طلبی دارند. برعکس، نظام‌های دموکراتیک یا دولت‌های دموکراتیک تمایل بیشتری به رفتار صلح‌طلبانه در نظام بین‌الملل دارند. تمایل دولت‌های اقتدارگرا به همکاری با دولت‌های دموکراتیک به مراتب کمتر است و آن‌ها ترجیح می‌دهند با دولت‌های هم‌نوع خود بیش‌تر همکاری کنند. همکاری دولت‌های دارای ماهیت نزدیک به هم با یکدیگر تصادفی نیست. (قهرمان‌پور، ۱۳۸۶: ۵۵)

هرچند در مورد دولت‌های اقتدارگرایی چون هیتلر یا صدام این رفتار مصداق دارد، لیکن در برخی موارد دولت‌ها در نظام داخلی از الگوهای دموکراتیک و در نظام آنارشی بین‌الملل از الگوهای اقتدارگرایانه پیروی می‌کنند. مهم‌ترین نمونه آن رفتار آمریکا در سطح بین‌الملل به‌ویژه پس از جنگ سرد است. اقدامات نظامی آمریکا در مقاطعی مانند جنگ‌های خلیج فارس یا اقداماتی که در آمریکای جنوبی از خود بروز دارد همگی جنبه‌های اقتدارگرا داشت، درحالی‌که آمریکا خود را در بعد داخلی کشوری دموکراتیک می‌داند. به نظر می‌رسد این قیاس که در نگرش لیبرالیستی وجود دارد و بر اساس آن معتقدند هر دولتی که در ابعاد داخلی دموکراتیک بود در سطح بین‌الملل هم دموکراتیک رفتار خواهد کرد با نقد جدی مواجه است.

چارچوب مفهومی



شکل (۱): چارچوب مفهومی

روش‌شناسی

این مقاله با رویکردی اکتشافی و نگاهی آینده پژوهانه حاصل تحلیل‌های به دست آمده از یک پژوهش راهبردی با عنوان سناریوهای صحنه جنگ آینده جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ می‌باشد که در مرکز مطالعات راهبردی آجا صورت پذیرفته، است؛ بنابراین مقاله حاضر به لحاظ هدف از نوع تحقیقات کاربردی و از نظر روش، جزء تحقیقات اکتشافی آینده پژوهانه است که در روش تحلیلی آن از روش ابداعی مرکز مطالعات آجا در حوزه تهدیدشناسی تحت عنوان «الگوی مرکز مطالعات راهبردی آجا برای ارزیابی تهدیدها» بهره‌گیری شده است.

یکی از ابزارهای گردآوری داده‌ها در روش تحقیق کیفی و آمیخته، تحقیق از طریق گروه‌های کانونی است. «گروه‌های کانونی^۱» جلسات بحث سازمان‌دهی شده‌ای هستند که در آن از طریق گروهی از افرادی که بتوان به نظر آنان به‌عنوان کانون بحث موضوعی متمرکز شد، انتخاب می‌شوند. سپس از طریق مصاحبه‌ی گروهی، این افراد، نظرها و تجربه‌های خود را بازنمایی می‌کنند. هدف از این روش، کشف نگرش‌ها، احساسات، باورها، تجربه‌ها و واکنش افراد است که در مقایسه با روش مصاحبه‌های فردی، پژوهشگر در مدت‌زمانی کوتاه‌تر، اطلاعات بیشتری را فراهم می‌کند. هدف اصلی گروه کانونی کشف نگرش‌ها، احساسات، باورها، تجربیات و واکنش افراد است که با روش‌های دیگر مانند مشاهده، مصاحبه فردی و پرسشنامه‌های پیمایشی قابل درک نیست. (روستا، ۱۳۹۱: ۴۲)

در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات پیرامون موضوع مورد مطالعه، از روش میدانی (پرسشنامه) استفاده شده و پس از جمع‌آوری و تحلیل، داده‌ها در گروه کانونی متشکله مطرح و پس از بررسی و تعدیل و رسیدن به اجماع ارائه گردید. در این مقاله، تعداد ۱۵ نفر از خبرگان راهبردی این حوزه که عمدتاً توسط مرکز مطالعات راهبردی آجا معرفی شده بودند در یک مطالعه و بررسی گروهی شرکت نمودند که سعی گردید با استفاده از پرسشنامه و جلسات خبرگی اطلاعات لازم جمع‌آوری و با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و همچنین خبرگی تحلیل گردیدند؛ برای شناسایی تهدیدهای

^۱ Focus group

محیطی، مدیر پروژه و اعضاء کارگروه کارشناسی اقدام به مطالعه و جمع آوری اطلاعات در مورد سوال‌های ذیل نمودند:

- ۱- تهدیدات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای آینده علیه ج.ا.ایران (تحلیل روند و مدل‌های عملکردی دشمن) در افق ۱۴۰۴ کدامند؟
- ۲- نوع و ابزار تهدیدات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای آینده علیه ج.ا.ایران در افق ۱۴۰۴ چیستند؟
- ۳- ویژگی‌های جنگ منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای آینده علیه ج.ا.ایران در افق ۱۴۰۴ کدامند؟
- ۴- الگوهای امنیتی تهدیدات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای آینده علیه ج.ا.ایران در افق ۱۴۰۴ در حلقه‌های امنیتی پنجگانه پیرامونی کشور کدامند؟

یافته‌ها

مشخصات جمعیت‌شناختی

جدول (۱): توزیع فراوانی مطلق و نسبی نظریه‌دهندگان به پژوهش برحسب درجه

درجه	تعداد	پاسخگویان درصد
سرگرد	۱	۶٪
سرهنگ ۲	۳	۲۰٪
سرهنگ	۸	۵۴٪
سرتیپ ۲	۲	۱۴٪
سرتیپ	۱	۶٪
جمع کل	۱۵	۱۰۰٪

همانگونه که در جدول شماره ۱ نشان داده شده بیشترین نظریه‌دهندگان با درجه سرهنگ به بالا به تعداد ۱۱ نفر (۷۳٪) و کمترین آنها نیز با درجه سرگردی و سرهنگ ۲ به تعداد ۴ نفر (۲۷٪) بودند. توزیع درجات جدول نشان می‌دهد که نظریه‌دهندگان از درجات بالایی برخوردار بوده و بالطبع دارای تجربه قابل قبولی می‌باشند.

جدول (۲): توزیع فراوانی مطلق و نسبی نظریه‌دهندگان به پژوهش بر حسب سابقه‌ی خدمتی

سن خدمتی	تعداد	درصد
۱۵ تا ۱۹ سال	۱	۷٪
۲۰ تا ۲۴ سال	۳	۲۰٪
۲۵ تا ۳۰ سال	۳	۲۰٪
بالای ۳۰ سال	۸	۵۳٪
جمع کل	۱۵	۱۰۰٪

همانگونه که در جدول شماره ۲ نشان داده شده بیشترین نظریه‌دهندگان با سن خدمتی ۲۰ سال به بالا به تعداد ۱۴ نفر (۹۳٪) و کمترین آنها با سن خدمتی ۱۵ تا ۱۹ سال به تعداد ۱ نفر (۱۰٪) بودند که نشان می‌دهد نظریه‌دهندگان از سابقه کار مناسب و تجربه کافی نظریه‌پردازی برخوردارند.

جدول (۳): توزیع فراوانی مطلق و نسبی نظریه‌دهندگان به پژوهش بر حسب سابقه کار در حوزه پژوهش

پاسخگویان	تعداد	درصد
۱۵ تا ۱۹ سال	۶	۴۰٪
۲۰ تا ۲۴ سال	۶	۴۰٪
۲۵ تا ۳۰ سال	۳	۲۰٪
بالای ۳۰ سال	۰	۰٪
جمع	۱۵	۱۰۰٪

همانگونه که در جدول شماره ۳ نشان داده شده، تمامی نظریه‌دهندگان با سابقه کار پژوهشی ۱۵ سال به بالا با تعداد ۱۵ نفر (۱۰۰٪) بودند. که نشان از خبرگی آنان در حوزه انجام کارهای پژوهشی و تحقیقاتی دارد.

جدول (۴): توزیع فراوانی مطلق و نسبی نظریه‌دهندگان به پژوهش بر حسب سطح تحصیلات

پاسخگویان	تعداد	درصد
فوق دیپلم	۰	۰٪

درجه	تعداد	درصد
کارشناس	۰	۰
کارشناسی ارشد	۳	۲۰٪
دکترا	۱۲	۸۰٪
جمع کل	۱۵	۱۰۰٪

همانگونه که در جدول شماره ۴ نشان داده شده بیشترین نظریه‌دهندگان با سطح تحصیلات دکترا به تعداد ۱۲ نفر (۸۰٪) و کمترین آنها نیز با طیف کارشناسی ارشد به تعداد ۳ نفر (۲۰٪) بودند. توزیع اعداد جدول نشان می‌دهد که نظریه‌دهندگان از سطح تحصیلات بسیار مناسبی جهت پاسخ‌گویی به سوال‌ها برخوردار بودند.

جدول (۵): توزیع فراوانی مطلق و نسبی نظریه‌دهندگان به پژوهش برحسب طیف مشاغل سازمانی

درجه	تعداد	درصد
سرهنگ	۱	۱۰٪
سرتیپ ۲	۴	۲۴٪
سرتیپ	۵	۳۳٪
سرلشگری	۵	۳۳٪
جمع کل	۱۵	۱۰۰٪

همانگونه که در جدول شماره ۵ نشان داده شده بیشترین نظریه‌دهندگان با طیف مشاغل سازمانی سرتیپ‌دومی به بالا به تعداد ۱۴ نفر (۹۰٪) بودند. توزیع درجات مشاغل سازمانی در جدول نشان می‌دهد که نظریه‌دهندگان از دسترسی بالایی برخوردار بوده و بالطبع دارای دانش و تجربه قابل قبولی در پاسخ‌گویی به سوالات می‌باشند.

تحلیل روند و مدل‌های عملکردی

در راستای تحلیل روند تهدیدات از گذشته تا آینده از فراتحلیل اطلاعات موجود در طرح «بازطراحی نهاجا» که در سال ۱۳۹۳ توسط عزیزنصیرزاده و همکاران ایشان در نیروی هوایی انجام شده بود، به منظور شناخت مدل‌های عملکردی دشمنان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بهره‌گیری شد: (نصیرزاده، ۱۳۹۳: ۲۵۰)

ایالات متحده آمریکا

جدول (۶): تحلیل روند و مدل های عملکردی ایالات متحده (نصیرزاده، ۱۳۹۳: ۲۵۰)

ر.	عوامل محیطی	گذشته	وضعیت فعلی	آینده
۱	اصول جنگ	اصول نه گانه جنگ	اصول ۱۳ گانه جنگ	متغیر با توجه به ویژگی های جنگ های آینده
۲	سناپوهای آفندی (آمریکا) تحریم های اقتصادی جنگ نرم	محدود	گسترده	بسیار گسترده (نفت در برابر غذا)
		متوسط	گسترده	بسیار گسترده
۳	راهکار نظامی فناوری	تک محور	همراه با ائتلاف فرامنطقه ای	ایاتنلاف فرامنطقه ای و منطقه ای یا نیابتی
		تجهیزات محور	جنگ هوشمند و دیجیتال (اطلاعات محور)	فناوری رباتیک ودانش محور (خیره و قدرت یادگیری) ایجاد نیروی دانش محور
۴	روش های عملیاتی (راهبرد و تاکتیک ها)	عملیات مبتنی بر انهدام (استفاده از حجم انبوه مهمات و تخریب زیاد)، نبرد هم زمان در دو میدان اصلی	پس از ۲۰۱۲: جنگ در یک منطقه، بازدارندگی در منطقه دیگر؛ عملیات تاثیر محور با تاکید بر مراکز ثقل، عملیات روانی و ...؛ برتری هوایی و عملیات بدون تماس بر مبنای اصول: کنترل متمرکز و اجرای غیر متمرکز، انعطاف پذیری و قابلیت انطباق، ثبات و پایداری، همکاری و هم افزایی، تمرکز، برتری، توازن،	نیروی مشترک که نسبت به ارتش فعلی نیرویی کوچک تر و لاغرتر اما در عین حال چابک تر، انعطاف پذیر و از نظر فناوریانه پیشرفته تر؛ جنگ نرم و اطلاعات بویژه سایبری تاکید بر سرعت با استفاده از تجهیزات پیشرفته تاکید بر تسلط بر فضا و هماهنگی کامل بین قدرت هوایی و فضائی با بهره برداری از سامانه C۴I؛ جابجایی سریع نیروها بمنظور انجام واکنش سریع در سطح جهان. بهره برداری از محیط نزدیک فضا به عنوان یک فضای بکر و استفاده از فناوریهای نوین و تجهیزات بدون سرنشین و تسلیحات هدایت پذیر از راه دور
		حمله پیشگیرانه (قبل از ۱۱ سپتامبر) حمله پیش دستانه (بعد از ۱۱ سپتامبر) نبرد هم زمان در دو میدان اصلی و دو میدان فرعی»	بهره برداری از محیط نزدیک فضا به عنوان یک فضای بکر و استفاده از فناوریهای نوین و تجهیزات بدون سرنشین و تسلیحات هدایت پذیر از راه دور	
۵	ساختار	وظیفه ای	شبکه محور -تخت	نیروی مشترک، کوچک تر، اما

ر.	عوامل محیطی	گذشته	وضعیت فعلی	آینده
		سلسله مراتبی	با فناوری پیشرفته	در عین حال چابک تر، انعطاف پذیرتر و از نظر فناورانه پیشرفته تر
۶	سامانه ها	تقریباً پیشرفته و آنالوگ	پیشرفته، دیجیتال، هوشمند	بسیار پیشرفته و خیره
		انواع هواپیماهای نسل چهارم و قبل از آن	بهره گیری از هواپیماهای بدون سرنشین؛ هدایت معمولی استفاده	استفاده گسترده از هواپیماهای بدون سرنشین
۷	جنگ افزارها	محصولات هواپیماهای بدون سرنشین	نسل چهارم و پنجم و تسلیحات هوشمند	افزایش بیشتر دقت تسلیحات

رژیم اشغالگر قدس

جدول (۷): تحلیل روند و مدل های عملکردی رژیم اشغالگر قدس (همان منبع)

ر.	عوامل محیطی	گذشته	وضعیت فعلی	آینده
۱	اصول جنگ	اصول نه گانه جنگ	اصول نه گانه	احتمالاً اصول ۱۳ گانه منطبق بر آمریکا
۲	حمله به تاسیسات اتمی ج.ا.ا.	دشوار	کمی دشوار	کمی دشوار
۳	فناوری	تجهیزات محور	جنگ هوشمند و دیجیتال (اطلاعات محور)	دانش محور (خبره و قدرت یادگیری)
		حمله غافلگیرانه؛ پیروزی سریع و قطعی	حمله غافلگیرانه؛ پیروزی سریع و قطعی	حمله غافلگیرانه؛ پیروزی سریع و قطعی
۴	روش های عملیاتی (راهبرد و تاکتیک ها)	جنگ در سرزمین دشمن؛ حفاظت از سرزمین، شهرها و مردم خودی؛ اصل تهاجم و اتکا به نبرد خودی؛ غیر مستقیم	جنگ در سرزمین دشمن؛ سریع و قطعی؛ حفاظت از سرزمین، شهرها و مردم خودی؛ عملیات سایبری	جنگ در سرزمین دشمن؛ حفاظت از سرزمین، شهرها و مردم خودی؛ عملیات گسترده سایبری
۵	ساختار	نظامی - سلسله مراتبی	سلسله مراتبی همراه با استقلال نسبی	سلسله مراتبی احتمالاً کوچک تر و چابک تر

ر.	عوامل محیطی	گذشته	وضعیت فعلی	آینده
۶	سامانه ها	تقریباً پیشرفته - آنالوگ	پیشرفته - دیجیتال - هوشمند	بسیار پیشرفته و خبره
بهره گیری از هواپیماهای				
انواع هواپیماهای نسل				
بهدون سرنشین استفاده گسترده از				
چهارم و قبل از آن				
۷	جنگ افزارها	تسلیحات با هدایت معمولی	هواپیماهای نسل چهارم سرنشین	چهارونیم
تسلیحات هوشمند و افزایش بیشتر دقت				
و ...				
سایبری				
نبرد سایبری				

عربستان سعودی

جدول (۸): تحلیل روند و مدل های عملکردی عربستان سعودی (همان منبع)

ر.	عوامل محیطی	گذشته	وضعیت فعلی	آینده
۱	اصول جنگ	اصول نه گانه جنگ	اصول نه گانه جنگ	اصول نه گانه جنگ
سناریو: نفوذ در قومیت				
۲	های مذهبی کشور و اشاعه فرهنگ وهابیت	کم	تأحدودی	بسیار زیاد
۳	فناوری	فناوری معمولی	فناوری پیشرفته غرب	فناوری پیشرفته غرب
حمایت گسترده از گروه -				
حمایت محدود از گروه				
معاذفرقه های				
معاذفرقه ای				
۴	روش های عملیاتی (راهبرد و تاکتیک ها)	ضاله؛ مقابله هوایی و کسب برتری هوایی در حوزه خلیج فارس؛ شناسایی هوایی	کسب برتری هوایی در حوزه خلیج فارس؛ جنگ هوایی و دفاع کامل از حریم هوایی؛ عملیات ضربتی و بمباران	کسب برتری هوایی در حوزه خلیج فارس جنگ هوایی و عملیات ضربتی و بمباران؛ آموزش مستمر بویژه با استفاده از مستشاران غربی
۵	ساختار	فرماندهی نیروی و دفاع هوایی	در قالب دو فرماندهی نیروی هوایی و فرماندهی دفاع هوایی	احتمالاً کوچک تر و چابک تر
۶	سامانه ها	معمولی	پیشرفته مبتنی بر فناوری غرب	پیشرفته مبتنی بر فناوری غرب
۷	جنگ افزارها	انواع هواپیماهای نسل	هواپیماهای نسل چهارم	بهره گیری از

ر.	عوامل محیطی	گذشته	وضعیت فعلی	آینده
		چهارم و قبل از آن و چهارو نیم	تسلیمات با هدایت تسلیحات هوشمند معمولی	هواپیماهای نسل پنجم افزایش بیشتر دقت تسلیحات.

امارات متحده عربی

جدول (۹): تحلیل روند و مدل‌های عملکردی امارات متحده عربی (همان منبع: ۲۵۱)

ر.	عوامل محیطی	گذشته	وضعیت فعلی	آینده
۱	اصول جنگ	اصول نه گانه جنگ	اصول نه گانه جنگ	اصول نه گانه جنگ
۲	سناریو: اشغال جزایر سه گانه در ائتلاف با غرب و شورای همکاری خلیج فارس	غیر ممکن	تا حدودی محتمل	محتمل
۳	فناوری	فناوری معمولی	فناوری پیشرفته غرب	فناوری پیشرفته غرب
۴	روش های عملیاتی (راهبرد و تاکتیک ها)	----	جنگ هوایی و انجام جنگ هوایی و رزمایش- رزمایش های مرکب و های مرکب و مشترک؛ مشترک؛ عملیات بمباران؛ عملیات بمباران؛ استفاده بهره گیری از پهپاد از پهپاد	
۵	ساختار	ساختار نظامی سلسله مراتبی مبتنی بر وظیفه ای، جغرافیایی و ...		
۶	سامانه ها	معمولی	پیشرفته مبتنی بر فناوری	پیشرفته مبتنی بر فناوری غرب
۷	جنگ افزارها	معمولی و ...	استفاده از پهپادها	انواع هواپیماهای نسل هواپیماهای نسل چهار و پهپادها؛ افزایش بیشتر دقت تسلیحات؛ امکان تسلیحات با هدایت تسلیحات هوشمند؛ بهره گیری از هواپیماهای معمولی و ... استفاده از پهپادها نسل پنجم؛ عملیات سایبری

ترکیه

جدول (۱۰): تحلیل روند و مدل‌های عملکردی ترکیه (همان منبع: ۲۵۱)

ر.	عوامل محیطی	گذشته	وضعیت فعلی	آینده
۱	اصول جنگ	اصول نه گانه جنگ	اصول نه گانه جنگ	اصول نه گانه جنگ
۲	سناریوها	---	---	---
۳	فناوری	فناوری معمولی	تقریباً پیشرفته	فناوری پیشرفته غرب

ر.	عوامل محیطی	گذشته	وضعیت فعلی	آینده
۴	روش‌های عملیاتی (راهبرد و تاکتیک‌ها)	عملیات مقابله هوایی پشتیبانی نزدیک هوایی از نیروهای سطحی شناسایی هوایی و دفاع هوایی	عملیات کسب برتری هوایی پشتیبانی نزدیک هوایی از نیروهای سطحی؛ شناسایی هوایی؛ دفاع هوایی موشکی ناتو	عملیات کسب برتری هوایی پشتیبانی نزدیک هوایی؛ دفاع هوایی موشکی ناتو
۵	ساختار	ساختار نظامی سلسله مراتبی	ساختار نظامی سلسله مراتبی ناحیه جغرافیایی	ساختار نظامی سلسله مراتبی مبتنی بر وظیفه و ناحیه جغرافیایی
۶	سامانه‌ها	معمولی	معمولی	پیشرفته مبتنی بر فناوری غرب
۷	جنگ‌افزارها	انواع هواپیماهای نسل چهارم و قبل از آن تسلیحات با هدایت معمولی و ...	هواپیماهای نسل چهارم و نیم استفاده از تسلیحات هوشمند. پیشرفته غرب و استفاده گسترده از پهپادها.	هواپیماهای نسل چهارم و نیم و نسل پنجم و استفاده از تسلیحات هوشمند و استفاده گسترده از پهپادها.

کشورهای حوزه خلیج فارس

جدول (۱۱): تحلیل روند و مدل‌های عملکردی کشورهای حوزه خلیج فارس (همان منبع: ۲۵۱)

ر.	عوامل محیطی	گذشته	وضعیت فعلی	آینده
۱	اصول جنگ	اصول نه‌گانه جنگ	اصول نه‌گانه جنگ	اصول نه‌گانه جنگ
۲	سناریو: همکاری با آمریکا در تهاجم هوایی به ج.ا.ا.	احتمال کم	محتمل	محتمل (بصورت نیابتی)
۳	فناوری	فناوری معمولی	فناوری پیشرفته غرب	فناوری پیشرفته غرب
۴	روش‌های عملیاتی (راهبرد و تاکتیک‌ها)	انجام عملیات‌های محدود و سرزمینی	انجام عملیات دفاع هوایی مشترک و مرکب با کشورهای منطقه و غرب	انجام رزمایش‌های مشترک و مرکب با کشورهای منطقه و غرب
۵	ساختار	ساختار نظامی سلسله مراتبی	ساختار نظامی سلسله مراتبی	ساختار نظامی سلسله مراتبی

ر.	عوامل محیطی	گذشته	وضعیت فعلی	آینده
۶	سامانه‌ها	معمولی	تقریباً پیشرفته غربی	پیشرفته مبتنی بر فناوری غرب
۷	جنگ افزارها	معمولی و ...	انواع هواپیماهای نسل چهارم و قبل از آن، تسلیحات با هدایت هوشمند.	انواع هواپیماهای نسل چهارم و احتمالاً نسل پنجم و استفاده از تسلیحات هوشمند و پیشرفته غرب و استفاده گسترده از پهپادها.

آذربایجان

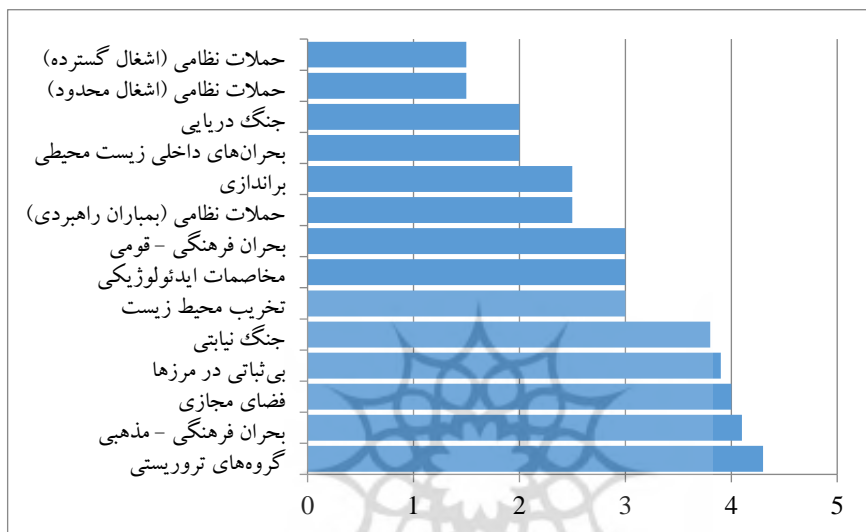
جدول (۱۲): تحلیل روند و مدل‌های عملکردی آذربایجان (همان منبع: ۲۵۱)

ر.	عوامل محیطی	گذشته	وضعیت فعلی	آینده
۱	اصول جنگ	اصول نه گانه جنگ	اصول نه گانه جنگ	اصول نه گانه جنگ
۲	سناریو: ایجاد ناآرامی فرقه ای در استان های شمال غرب	----	تحریک گرایش‌های قومی	تحریک گرایش‌های قومی
۳	فناوری	معمولی	معمولی	فناوری پیشرفته غرب
۴	روش‌های عملیاتی (راهبرد و تاکتیک ها)	شناسایی هوایی؛ دفاع هوایی پشتیبانی از نیروهای سطحی	شناسایی هوایی؛ دفاع هوایی پشتیبانی از نیروهای سطحی	شناسایی هوایی؛ دفاع هوایی؛ پشتیبانی از نیروهای سطحی؛ بهره‌گیری از پهپادها انعطاف و سرعت
۵	ساختار	ساختار نظامی سلسله مراتبی	ساختار نظامی سلسله مراتبی	ساختار نظامی سلسله مراتبی
۶	سامانه‌ها	قدیمی	معمولی	پیشرفته مبتنی بر فناوری غرب
۷	جنگ افزارها	معمولی و ...	انواع هواپیماهای نسل سوم و قبل از آن؛ تسلیحات با هدایت هوشمند.	انواع هواپیماهای نسل چهارم و نیم استفاده از تسلیحات هوشمند و پیشرفته غرب استفاده گسترده از پهپادها.

نوع، ابزار و ویژگی تهدیدات

جهت شناخت نوع، ابزار و ویژگی های تهدیدات آینده ج.ا.ایران، ابتدا با بررسی ادبیات و مبانی نظری موجود، این عوامل احصاء و سپس در گروه راهبری طرح «کانون تفکری» مطرح، دسته بندی و با توزیع پرسشنامه تحلیل و اولویت ها به شرح ذیل مشخص گردید:

نوع و ابزار تهدیدات



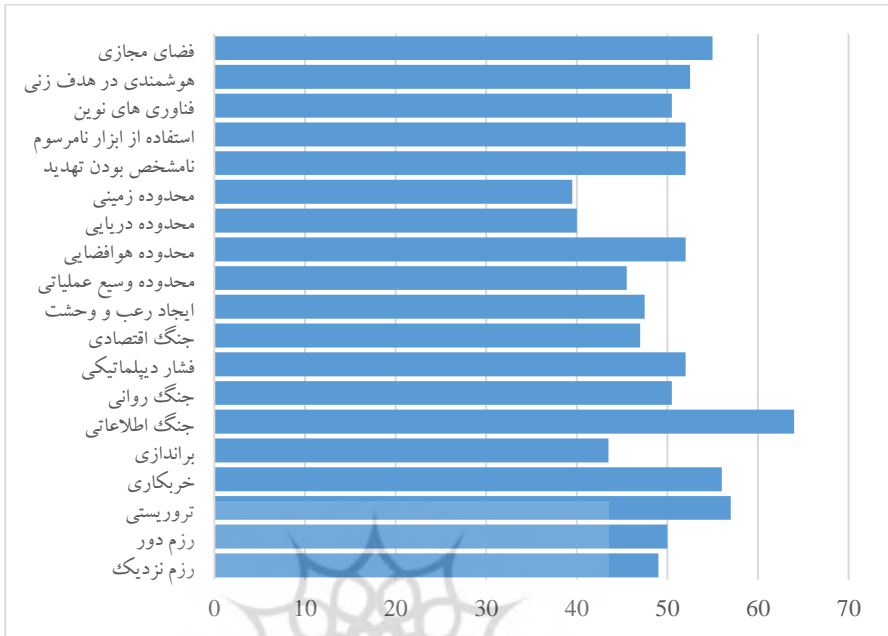
نمودار نوع و ابزار تهدیدات

در بررسی پیرامون نوع و ابزار تهدیدات آینده ج.ا.ایران در افق ۱۴۰۴ (به شرح جدول ذیل) مشخص گردید که اولویت بالای تهدیدات آینده؛ گروه های تروریستی و کم اهمیت ترین آن حملات نظامی (به صورت اشغال گسترده) می باشد.

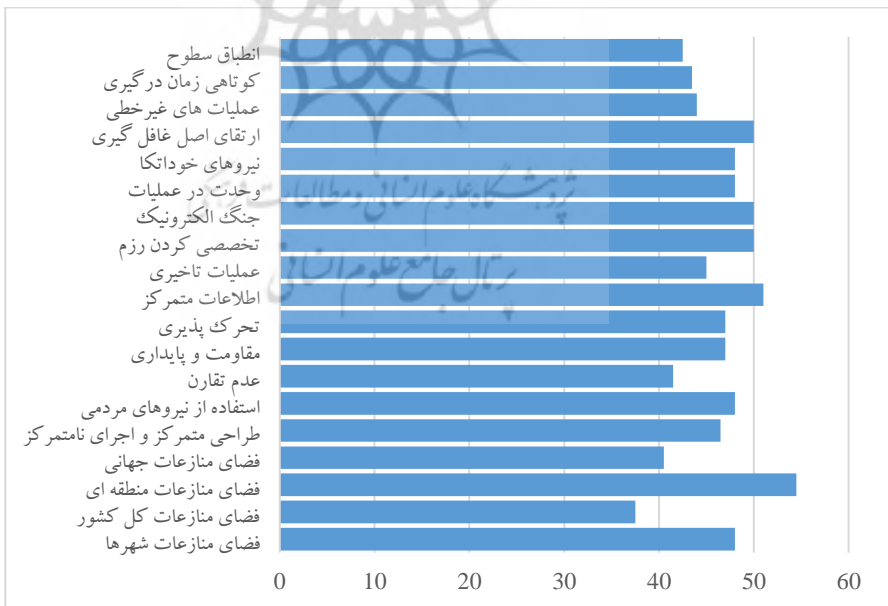
اولویت	نوع و ابزار تهدید	اولویت	نوع و ابزار تهدید
۱	گروه های تروریستی	۸	بحران فرهنگی - قومی
۲	بحران فرهنگی - مذهبی	۹	حملات نظامی (بمباران راهبردی)
۳	فضای مجازی	۱۰	براندازی
۴	بی ثباتی در مرزها	۱۱	بحران های داخلی زیست محیطی
۵	جنگ نیابتی	۱۲	جنگ دریایی
۶	تخریب محیط زیست	۱۳	حملات نظامی (اشغال محدود)
۷	مخاصمات ایدئولوژیکی	۱۴	حملات نظامی (اشغال گسترده)

جدول (۱۳): اولویت بندی نوع و ابزار تهدیدات آینده ج.ا.ایران در افق ۱۴۰۴

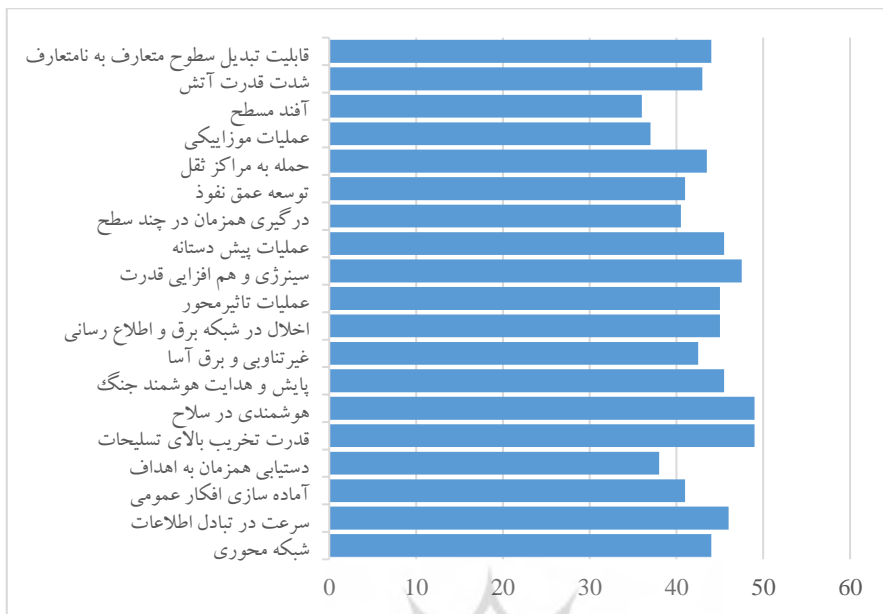
ویژگی تهدیدات



نمودار ویژگی تهدیدات



نمودار اولویت بندی نوع و ابزار تهدیدات آینده ج.ا.ایران در افق ۱۴۰۴



نمودار اولویت بندی نوع و ابزار تهدیدات آینده ج.ا.ایران در افق ۱۴۰۴

در تحلیل کلیه نمودارهای بالا مشخص گردید که اولویت اول تهدیدات آینده در حوزه ویژگی های تهدیدی؛ جنگ اطلاعاتی و کمترین اولویت مربوط به آفند مسطح است، بقیه دسته بندی ها نیز به شرح ذیل مشخص گردید:

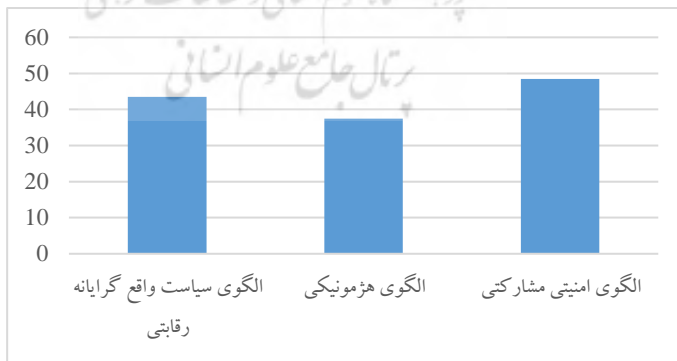
اولویت اول (امتیاز بالای ۶۰)	اولویت دوم (امتیاز بین ۵۰ و ۶۰)	اولویت سوم (امتیاز بین ۴۰ و ۵۰)	اولویت چهارم (امتیاز زیر ۴۰)
جنگ اطلاعاتی	تروریسم	رزم دور	جنگ زمینی
---	خرابکاری	جنگ الکترونیک	همزمانی در اهداف
---	منازعات	تخصصی	عملیات
---	درفضای مجازی	کردن رزم	موزاییکی
---	منازعات منطقه ای	اصل غافل-گیری	آفند مسطح
---	هوشمندی	---	---
---	درهدف زنی	نیروهای مردمی	---
---	جنگ هوافضایی	ایجاد رعب و	---

اولویت اول (امتیاز بالای ۶۰)	اولویت دوم (امتیاز بین ۵۰ و ۶۰)	اولویت سوم (امتیاز بین ۴۰ و ۵۰)	اولویت چهارم (امتیاز زیر ۴۰)
فشار	وحشت	تاخیری	
دیپلماتیکی	جنگ اقتصادی	براندازی	کوتاهی زمان
نامشخص بودن	طراحی متمرکز و	عدم تقارن	درگیری غیرتناوبی و
تهدید	اجراء نامتمرکز	برق آسا	
استفاده از ابزار	مقاومت و پایداری	منازعات	انطباق سطوح
نامرسوم		جهانی	
اطلاعات	تحرك پذیری	جنگ دریایی	درگیری - همزمان
متمرکز	سینرژی و هم-	عملیات	توسعه عمق
فناوری نوین	افزایی قدرت	تاثیرمحور	نفوذ
	سرعت تبادل	اخلال در	
جنگ روانی	اطلاعات	شبکه‌های برق	
		و اطلاع‌رسانی	

جدول (۱۴): اولویت‌بندی ویژگی‌های تهدیدات آینده‌ی ج.ا.ایران در افق ۱۴۰۴

تهدیدات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای آینده علیه ج.ا.ایران در افق ۱۴۰۴ مبتنی بر الگوهای امنیتی (امنیتی مشارکتی، هژمونیک، سیاستی واقع‌گرایانه رقابتی) در حلقه‌های امنیتی پنجگانه پیرامونی کشور (شمال غربی ایران، شرق ایران، آسیای مرکزی و قفقاز، غرب ایران و حوزه خلیج فارس) را به شرح ذیل می‌توان دسته‌بندی کرد:

حلقه امنیتی حوزه خلیج فارس با محوریت اعضاء شورای همکاری خلیج فارس



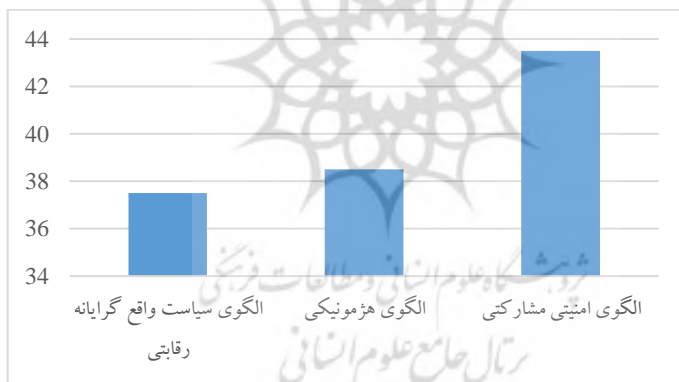
نمودار اولویت بندی نقش آفرینی بازیگران در حلقه امنیتی حوزه خلیج فارس با محوریت اعضاء شورای همکاری خلیج فارس

اولویت (۱): الگوی سیاست واقع گرایانه رقابتی	اولویت (۲): الگوی هژمونیکی	اولویت (۳): الگوی امنیتی مشارکتی
رژیم صهیونیستی	آمریکا	آمریکا
عربستان	ناتو	عربستان
عراق	G.C.C	G.C.C
امارات	عربستان	ناتو
G.C.C	عراق	امارات
قطر	رژیم صهیونیستی	قطر

جدول (۱۵): اولویت بندی نقش آفرینی بازیگران در حلقه امنیتی حوزه خلیج فارس با محوریت اعضاء شورای همکاری خلیج فارس

براساس اطلاعات بدست آمده از تحلیل ها مشخص گردید که در حلقه امنیتی حوزه خلیج فارس با محوریت اعضاء شورای همکاری خلیج فارس، الگو امنیتی: واقع گرایانه رقابتی است و رژیم صهیونیستی بیشترین نقش آفرینی را خواهد داشت.

حلقه امنیتی حوزه غرب ایران با محوریت کشورهای عراق، سوریه، لبنان و اردن



نمودار اولویت بندی نقش آفرینی بازیگران در حلقه امنیتی غرب ایران با محوریت کشورهای عراق، سوریه، لبنان و اردن

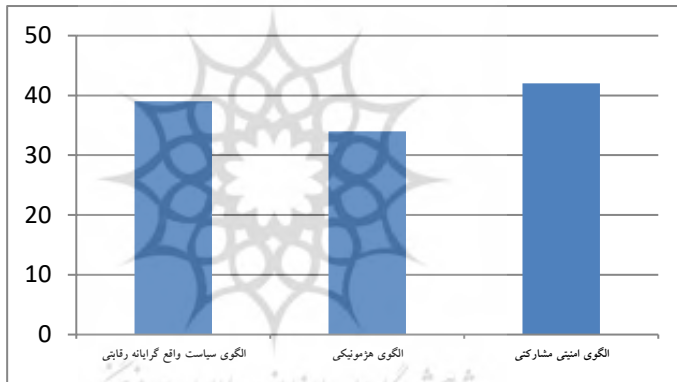
اولویت (۱): الگوی امنیتی مشارکتی	اولویت (۲): الگوی هژمونیکی	اولویت (۳): الگوی سیاست واقع گرایانه رقابتی
عربستان	آمریکا	رژیم صهیونیستی
آمریکا	عربستان	عربستان
روسیه	ناتو	روسیه

اولویت (۱): الگوی امنیتی	اولویت (۲): الگوی	اولویت (۳): الگوی سیاست
مشارکتی	هژمونیکی	واقع‌گرایانه رقابتی
عراق	روسیه	ناتو
G.C.C	G.C.C	G.C.C
ترکیه	ترکیه	ترکیه

جدول (۱۶): اولویت بندی نقش آفرینی بازیگران در حلقه امنیتی غرب ایران با محوریت کشورهای عراق، سوریه، لبنان و اردن

براساس اطلاعات بدست آمده از تحلیل‌ها مشخص گردید که در حلقه امنیتی غرب ایران با محوریت کشورهای عراق، سوریه، لبنان و اردن، الگو امنیتی؛ مشارکتی است و عربستان بیشترین نقش آفرینی را خواهد داشت.

حلقه امنیتی حوزه آسیای مرکزی و قفقاز



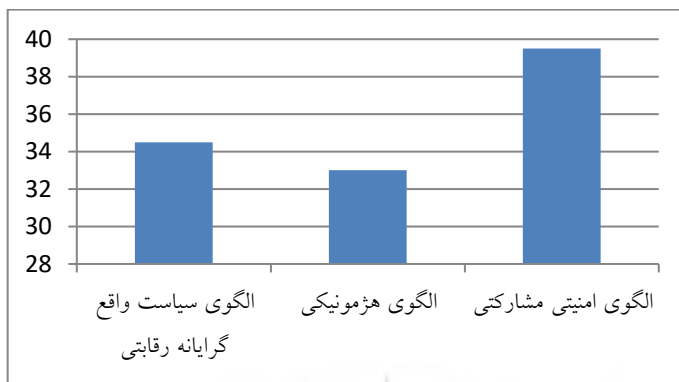
نمودار اولویت بندی نقش آفرینی بازیگران در حلقه امنیتی آسیای مرکزی و قفقاز

اولویت (۱): الگوی امنیتی	اولویت (۲): الگوی سیاست	اولویت (۳): الگوی
مشارکتی	واقع‌گرایانه رقابتی	هژمونیکی
روسیه	آذربایجان	آمریکا
آمریکا	روسیه	روسیه
ترکیه	ترکیه	ناتو
آذربایجان	ناتو	اتحادیه اروپا
ارمنستان	اتحادیه اروپا	--
ترکمنستان	G.C.C	--

جدول (۱۷): اولویت بندی نقش آفرینی بازیگران در حلقه امنیتی آسیای مرکزی و قفقاز

براساس اطلاعات بدست آمده از تحلیل‌ها مشخص گردید که در حلقه امنیتی آسیای مرکزی و قفقاز، الگو امنیتی: مشارکتی است و روسیه بیشترین نقش آفرینی را خواهد داشت.

حلقه امنیتی حوزه شرق ایران با محوریت کشورهای افغانستان، پاکستان و هند



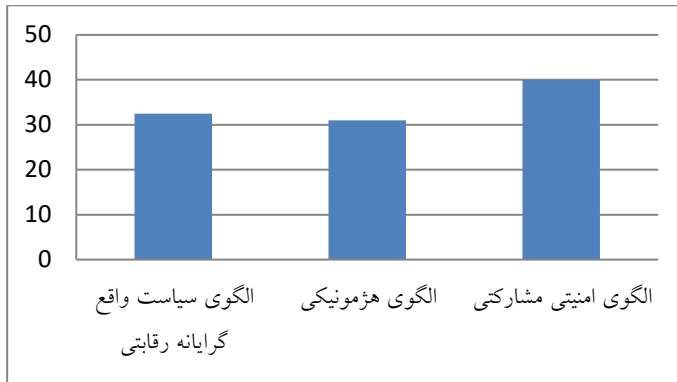
نمودار اولویت بندی نقش آفرینی بازیگران در حلقه امنیتی شرق ایران

اولویت (۱): الگوی امنیتی مشارکتی	اولویت (۳): الگوی سیاست واقع‌گرایانه رقابتی	اولویت (۲): الگوی هم‌مونیکی
آمریکا	روسیه	آمریکا
پاکستان	ناتو	ناتو
افغانستان	اتحادیه اروپا	روسیه
ناتو	G.C.C	اتحادیه اروپا
روسیه	پاکستان	--
اتحادیه اروپا	افغانستان	--

جدول (۱۸): اولویت بندی نقش آفرینی بازیگران در حلقه امنیتی شرق ایران

براساس اطلاعات بدست آمده از تحلیل‌ها مشخص گردید که در حلقه امنیتی شرق ایران با محوریت کشورهای افغانستان، پاکستان و هند، الگو امنیتی: مشارکتی است و آمریکا بیشترین نقش آفرینی را خواهد داشت.

حلقه امنیتی حوزه شمال غربی ایران با محوریت ترکیه



نمودار اولویت بندی نقش آفرینی بازیگران در حلقه امنیتی شمال غربی ایران با محوریت ترکیه

اولویت (۱): الگوی امنیتی مشارکتی	اولویت (۳): الگوی سیاست هژمونیک	اولویت (۲): الگوی واقع گرایانه رقابتی
آمریکا	آمریکا	آمریکا
ناتو	روسیه	روسیه
اتحادیه اروپا	ناتو	ناتو
ترکیه	اتحادیه اروپا	اتحادیه اروپا
آذربایجان	ترکیه	ترکیه
روسیه	آذربایجان	--

جدول (۱۹): اولویت بندی نقش آفرینی بازیگران در حلقه امنیتی شمال غربی ایران با محوریت ترکیه

براساس اطلاعات بدست آمده از تحلیل‌ها مشخص گردید که در حلقه امنیتی شمال غربی ایران با محوریت ترکیه، الگو امنیتی: مشارکتی است و آمریکا بیشترین نقش آفرینی را خواهد داشت.

بحث و نتیجه گیری

در جمع بندی برآورد تهدیدات آینده ج.ا.ایران در افق ۱۴۰۴، تحلیل روند و الگوهای عملکردی کشورهای پیرامونی ج.ا.ایران خصوصا در بحث قدرت هوایی؛ حاکی از تغییر در اصول جنگ، سناریوها، پیشرفت فناوری‌های مورد استفاده نسبت به گذشته، تغییر در روش های عملیاتی (راهبرد و تاکتیک‌ها) و همچنین تغییرات اساسی در ساختار، سامانه‌ها و جنگ افزارهای نظامی دارد.

بررسی نوع و ابزار تهدیدات آینده ج.ا.ایران در افق ۱۴۰۴؛ نشان می‌دهد که استفاده از گروه‌های تروریستی، بحران فرهنگی و مذهبی، فضای مجازی، بی‌ثباتی در مرزها، جنگ نیابتی و تخریب محیط زیست از اولویت بالاتری در بین دیگر تهدیدات برخوردار می‌باشند و بیشترین بهره‌بردار اینگونه تهدیدات علیه ج.ا.ایران، آمریکا و رژیم صهیونیستی هستند.

بررسی شاخص ویژگی تهدیدات آینده؛ نشان از تمرکز بر جنگ اطلاعاتی، تروریسم، خرابکاری، منازعات در فضای مجازی، منازعات منطقه‌ای، هوشمندی در هدف‌زنی، جنگ هوافضایی و فشار دیپلماتیکی دارد و بیشترین استفاده‌کنندگان اینگونه تهدیدات علیه ج.ا.ایران، آمریکا، رژیم صهیونیستی و عربستان هستند.

تهدیدات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای آینده علیه ج.ا.ایران در افق ۱۴۰۴ مبتنی بر الگوهای امنیتی (امنیتی مشارکتی، هژمونیک، سیاستی واقع‌گرایانه رقابتی) در حلقه‌های امنیتی پنجگانه پیرامونی کشور (شمال غربی ایران، شرق ایران، آسیای مرکزی و قفقاز، غرب ایران و حوزه خلیج فارس) را هم به شرح ذیل می‌توان دسته‌بندی کرد:

حلقه امنیتی حوزه خلیج فارس با محوریت اعضاء شورای همکاری خلیج فارس؛ الگوی قالب، سیاست واقع‌گرایانه رقابتی است و اولویت نقش‌آفرینی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در آن با رژیم صهیونیستی و عربستان می‌باشد.

حلقه امنیتی حوزه غرب ایران با محوریت کشورهای عراق، سوریه، لبنان و اردن؛ الگوی قالب، امنیتی مشارکتی است و اولویت نقش‌آفرینی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در آن با عربستان و آمریکا است. حلقه امنیتی حوزه آسیای مرکزی و قفقاز؛ الگوی قالب، امنیتی مشارکتی است و اولویت نقش‌آفرینی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در آن با روسیه و آمریکا است.

حلقه امنیتی حوزه شرق ایران با محوریت کشورهای افغانستان، پاکستان و هند؛ الگوی قالب، امنیتی مشارکتی است و اولویت نقش‌آفرینی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در آن با آمریکا و پاکستان است.

حلقه امنیتی حوزه شمال غربی ایران با محوریت ترکیه؛ الگوی قالب، امنیتی مشارکتی است و اولویت نقش‌آفرینی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در آن با آمریکا و ناتو است.

منابع

افتخاری، اصغر (۱۳۸۳) اقدام به جنگ؛ تحلیل الگوی تصمیم سازی خارجی آمریکا برای حمله به عراق- مجله سیاست دفاعی- شماره ۴۸- پاییز

- افتخاری، اصغر (۱۳۸۹) **اصول و مبانی تهدید شناسی در حوزه داخلی** - دانشگاه جامع امام حسین (ع) - دانشکده اطلاعات و امنیت - تهران
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۱) **ساخت دولت امنیت ملی** - فصلنامه مطالعات راهبردی - ش ۳ - پاییز
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۵) - **کالبد شکافی تهدید** - دانشگاه امام حسین (ع) - تهران
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۳) **مرزهای گفتمانی نظریه اسلامی امنیت** - فصلنامه علمی مطالعات راهبردی - سال ۷، شماره ۳ - پاییز
- افتخاری، اصغر و نصری، قدیر (۱۳۸۳) **روش و نظریه در امنیت پژوهی** - انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی - تهران .
- امینیان، بهادر (۱۳۷۱) - **تحول مفهوم امنیت ملی** - مجله سیاست دفاعی - سال اول شماره ۱ - تهران
- بوزان، باری و همکاران (ویور و دووید) (۱۳۸۶) **چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت** - ترجمه علیرضا طیب - پژوهشکده مطالعات راهبردی - تهران
- بوزان، باری (۱۳۷۸) - **مردم، دولت‌ها، هراس** - ترجمه و انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی - تهران
- تریف، تری و دیگران (۱۳۸۳) **مطالعات امنیتی نوین** - مترجمان علیرضا طیب و وحید بزرگی - انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی - تهران .
- توکلی، سعید (۱۳۸۴) **مفهوم تهدید و تحولات** - دانشگاه عالی دفاع ملی - تهران ۱۳۸۴
- حسینی، حسن (۱۳۸۸) **چه تصویری از قرن ۲۱ دارید؟ نزدیکی فرهنگها از راه دور** - انتخاب -
- حسینی، حسین (۱۳۷۳) **راهبرد؛ مفاهیم و کارکردها** - سیاست دفاعی شماره - تهران
- دان، تیم؛ اشمیت، بریان، (۱۳۸۳)، «رتالیسم درجهانی شدن سیاست روابط بین‌الملل در عصر نوین». ترجمه ابوالقاسم راهچمنی و دیگران، تهران: مؤسسه فرهنگی ابرار معاصر.
- درویشی سه تلاتی (۱۳۷۴) **تهدیدات امنیت ملی یک چارچوب نظری** - مجله سیاست دفاعی - شماره ۱۰ و ۱۱ - سال سوم - بهار و تابستان
- رحمن قهرمانپور (۱۳۸۵)، **مهم‌ترین روندهای تأثیر گذار بر خاور میانه، راهبرد دفاعی**.
- روستا، حسین، (۱۳۹۱)، **ضرورت آینده پژوهی در سازمان‌های تحقیقاتی دفاعی**، فصلنامه محقق، شماره ۵۷، تهران، انتشارات اداره تحقیقات و جهاد خودکفایی آجا
- صاحبی، سیدرضا، (۱۳۸۶)، «بررسی تطبیقی الگوهای امنیتی پیرامون ج.ا.ایران»، تهران، شماره ۵۹ مجله سیاست دفاعی.
- صاحبی، سیدرضا، (۱۳۸۶)، «**رزمایش، آمادگی دفاعی و بازدارندگی**»، شماره ۳۴ فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی.
- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۲) **نظریه امنیت** - انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر - تهران
- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۶) **رویکردها و طرح‌های آمریکایی درباره ایران**. انتشارات ابرار معاصر - تهران
- محمدی، منوچهر، (۱۳۸۶)، «**آینده نظام بین‌الملل و سیاست خارجی ج.ا.ایران**»، تهران، انتشارات دانشکده روابط بین‌الملل.
- مرادیان، محسن (۱۳۹۴) **شناخت و ارزیابی تهدیدات نظامی آینده در حوزه مأموریت آجا (الگوی مرکز مطالعات راهبردی آجا برای ارزیابی تهدیدها (E.T.M.O.S.S.C.A) مرکز مطالعات راهبردی آجا)**
- مرادیان، محسن (۱۳۸۹) **بررسی میزان تاثیر هر یک از عوامل محسوس قدرت در شکل گیری قدرت نظامی**، فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست دفاعی، دانشگاه امام حسین (ع)، سال هیجدهم شماره ۴ شماره پیاپی ۷۲ - تهران
- نصیرزاده، عزیز (۱۳۹۳)، «**بازطراحی سازمان نهاجا**»، تهران، دفتر پژوهش‌های نظری و مطالعات راهبردی نهاجا.
- نصیرزاده، عزیز، (۱۳۹۴)، «**سناریوهای راهبردی صحنه جنگ آینده ج.ا.ایران در افق ۱۴۰۴**»، تهران، مرکز مطالعات آجا.
- واعظی، محمود، (۱۳۸۶)، «**رویکرد امنیتی ایران در محیط پیرامونی**» (www.Bazy.com)